

A Minimalist Analysis of Lexical Aspect in Persian

Mousa

Ghonchepour * 

Assistant Professor, Department of Language and Literature,
Farhangian University, Tehran, Iran.

Abstract

This article studies stative, activity, accomplishment and achievement lexical aspects based on evidence from Persian and represents aspectual tree diagrams for them. Data analysis shows that events have various stative-dynamic interpretations. Internal argument does not play any role in stative aspectual events and collocation of these events with durative adverbs indicates their atelic and lack of aspectual interpretation domain while internal argument contrary to external one plays a role in aspectual interpretation of dynamic activity, accomplishment and achievement events. [\pm quantity] of internal argument against definite or indefinite argument has an effect on aspectual interpretation of events. Aspectual projection and [\pm telicity] of an event are located on predication phrase and external argument is out of aspect and domain of aspectual interpretation. Activity events have only the aspectual <initial> feature while the achievement and accomplishment events holds both <initial> and <final> aspectual features. These events contrary to stative events have no aspectual features. The <initial> and <final> aspectual features of accomplishment events are located on different nodes having structural dominance on each other while the <initial> and <final> aspectual features of achievement events are located on one node and they have no dominance on each other. The variability of lexical aspect between dynamic and static events and the ambiguous aspectual interpretation of activity-achievement and activity-accomplishment events proves that lexical meaning of verbs does not play a role in determining lexical aspect. Moreover, the existence of two different structures for the same meaning confirms that lexical aspect is syntactic.


Keywords: Lexical aspect, Predication node, Structural dominance, Aspectual projection, Argument.

* Corresponding Author: m_ghonchepour@yahoo.com

How to Cite: Ghonchepour, M. (2022). A Minimalist Analysis of Lexical Aspect in Persian. *Language Science*, 9 (16), 327-336. Doi: 10.22054/LS.2022.63917.1490

تحلیلی کمینه‌گرا از نمود واژگانی در زبان فارسی

استادیار زبان‌شناسی گروه زبان و ادبیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

موسی غنچه‌پور* 

چکیده

در این مقاله نمودهای واژگانی ایستا، کنشی، غایبند و تحقیقی بر پایه برنامه کمینه‌گرا و با توجه به نمونه‌های زبان فارسی بررسی و ساختار درختی نمودی برای هر کدام از آنها ارائه می‌شود. تحلیل نمونه‌ها نشان می‌دهد که رویدادها خوانش‌های متغیر ایستا-پویا دارند. موضوع درونی نقشی در رویدادهای نمودی ایستا ندارد و هم‌آیی این رویدادها با قیود تداومی بیانگر غیرغایی بودن آنها و نبود حوزه خوانش نمودی در آنهاست، حال آنکه موضوع درونی برخلاف موضوع بیرونی، در خوانش نمودی رویدادهای پویای کنشی، غایبند و تحقیقی نقش دارد. [± کمی] بودن موضوع درونی برخلاف معرفه یا نکره بودن آن بر خوانش نمودی رویداد تأثیرگذار است. فرافکنی نمودی و [± غایی] رویداد در درون گروه اسناد رقم می‌خورد و موضوع بیرونی خارج از نمود و حوزه خوانش نمود، واقع است. رویدادهای کنشی تنها مشخصه نمودی <آغاز> دارند؛ حال آنکه رویدادهای تحقیقی و غایبند برخلاف رویدادهای ایستا که فاقد مشخصه نمودی‌اند، هم مشخصه <آغاز> و هم مشخصه <پایان> دارند. مشخصه‌های <آغاز> و <پایان> رویدادهای غایبند بر روی دو گره متفاوت که تسلط سازه‌ای بر یکدیگر دارند، واقع هستند؛ حال آنکه مشخصه‌های <آغاز> و <پایان> در رویدادهای تحقیقی بر روی یک گره واقع‌اند و گره‌های این دو مشخصه تسلط سازه‌ای بر یکدیگر ندارند. تغییرپذیری نمود واژگانی میان رویدادهای ایستا و پویا و نیز خوانش نمودی مبهم رویدادهای کنشی-تحقیقی و کنشی-غایبند تأییدی است بر اینکه معنای واژگانی افعال، نقشی در تعیین نمود واژگانی ندارد. افزون بر این، وجود دو ساختار رویدادی متفاوت برای یک معنای واژگانی یکسان تأییدی بر نحوی بودن نمود واژگانی است.

کلیدواژه‌ها: نمود واژگانی، گره اسناد، تسلط سازه‌ای، فرافکنی نمودی، موضوع.

۱. مقدمه و بیان مسأله

در مطالعات زبان‌شناسی به نمود واژگانی و دستوری اشاره شده است. نمود دستوری میانه کنش یا رویداد (نمود ناقص) و یا پایان آن (نمود کامل) را نشان می‌دهد (MacDonald, 2008: 1). نمود واژگانی رویدادهای غایی^۱ را از غیرغایی^۲ متمایز و مشخصه‌های زمانی ذاتی خود رویداد را توصیف می‌کند (Comrie, 1976; Klein, 1994). رویدادی که به نقطه پایان اشاره کند غایی و آنکه فاقد نقطه پایان باشد غیرغایی است. برای نمونه، «مهیاری دیشب یک لیوان آب نوشید» به نقطه پایان رویداد «نوشیدن» اشاره دارد؛ زیرا دیگر آبی در لیوان وجود ندارد و غایی است. حال آنکه رویداد «مهیاری دیشب آب نوشید» به نقطه پایان اشاره ندارد؛ زیرا مقدار آب نوشیده شده به لحاظ کمی مشخص نیست و رویداد غیرغایی است. در هر دو رویداد، ماهیت موضوع درونی تأثیری بر نمود دستوری ندارد و هر دو نمود دستوری کامل دارند. در رویدادهای «مهیاری داشت یک لیوان آب می‌نوشید» و «مهیاری داشت آب می‌نوشید» نیز ماهیت موضوع درونی به لحاظ کمی تأثیری در نمود دستوری (ناقص) ندارد. این نمونه‌ها تأییدی است بر اینکه ساختار صرفی نمود دستوری و واژگانی متفاوت از یکدیگر است. نمود دستوری مقوله‌ای نقشی در حوزه تصریف است (Phan, 2013)، حال آنکه جایگاه نمود واژگانی و عناصر دخیل در خوانش آن مشخص نیست و این مسأله انگیزه‌ای برای انجام پژوهش حاضر است تا علاوه بر مشخص نمودن حوزه خوانش نمود واژگانی، عناصری هم که در تعیین نمود واژگانی تأثیر گذارند، روشن شوند. به عبارت دیگر، هدف این پژوهش روشن نمودن ماهیت نحوی و یا صرفی نمود واژگانی است.

برنامه کمیته گرا بعد از نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی (اصول و پارامترها) مطرح گردید (Hornstein, 2009; Lasnik & Lahndal, 2010). این برنامه تلاش دارد تا علاوه بر مشخص نمودن نظام محاسباتی زبان بشری، تبیینی از چگونگی مشخصه‌های خاص در زبان‌ها ارائه نماید (Haegeman & Lahndal, 2011). در رویکرد حاکمیت و مرجع‌گزینی اشتقاق نحوی با ژ-ساخت شروع می‌شود و پس از درج مدخل‌ها در جایگاه موضوعی خود، گشتار حرکت ژ-ساخت را به ر-ساخت تبدیل می‌کند. نمود آوایی و منطقی بر روی ر-ساخت عمل کرده و خوانش آوایی و معنایی ساخت را به دست می‌دهد (دبیرمقدم، ۱۳۸۳).

1. Telic

2. atelic

چامسکی^۱ (۱۹۹۵) تصریح می‌کند که نظام محاسباتی نیاز به سطوح ژ-ساخت و ر-ساخت ندارد (به نقل از Hornstein, Nunes & Grohmann, 2005). با این تعدیل، ساختار دستور به انگاره اصلی چامسکی (1957) نزدیک‌تر می‌شود؛ انگاره‌ای که از طریق گشتارهای مرکب ایجاد می‌شد. در این برنامه، براساس اطلاعات موجود در هر مدخل واژگان، امکان ساخت نمودار درختی فراهم می‌گردد و سمت شکل‌گیری درخت‌ها و اشتقاق از پایین به بالای نمودار درختی است (ادغام^۲). در واقع ادغام، دو مدخل واژگانی را که یکی از آنها هسته است و نوع گروه را تعیین می‌کند، کنار هم قرار می‌دهد و فرافکنی میانی شکل می‌گیرد؛ این فرافکنی میانی با مدخل دیگری ترکیب و فرافکنی بیشینه^۳ ایجاد می‌شود. از نظر چامسکی (۲۰۰۴) ترکیب یک مدخل واژگانی با مدخل دیگری ادغام (بیرونی) است. در برنامه کمینه‌گرا، همزمان با ادغام حرکت نیز صورت می‌گیرد. دو فرایند ادغام و حرکت در نحو عمل می‌کنند و نظام محاسباتی را شکل می‌دهند. بازنمون^۴ نقطه پایان نحو در برنامه کمینه‌گراست؛ نقطه‌ای که ادغام و حرکت در آن به پایان رسیده است و ساخت ایجادشده در نمود منطقی، خوانش معنایی و در نمود آوایی خوانش تلفظی می‌شود.

در برنامه کمینه‌گرا، هر جمله/ رویداد از سه لایه تشکیل می‌شود: گروه فعلی پوسته‌ای (VP) که حوزه موضوعی^۵ است؛ گروه تصریف/ زمان (TP) که حوزه زمان و نمود است و گروه متمم‌نما (CP) که حوزه میانجی و بار/توان^۶ است و نوع بند^۷ را مشخص می‌سازد (Chomsky, 1995; Haegeman & Lahndal, 2011). در تحولی که در گونه‌های بعدی رویکرد حاکمیت و مرجع‌گزینی صورت گرفت، فاعل در مشخصگر فرافکنی نقشی (گروه فعلی پوسته‌ای) ادغام می‌شود (Chomsky, 1995; Harley, 1995; Kratzer, 1996) و سپس به مشخصگر گروه زمان برای بازبینی اصل فرافکنی گسترده^۸ حرکت می‌کند. بر پایه این اصل، مشخصگر گروه زمان باید پر باشد و یا اینکه همه جملات باید فاعل داشته باشند. زمان و مطابقت نیز در گروه زمان رقم می‌خورد. این مشخصه‌ها از طریق

-
1. Chomsky, N.
 2. merge
 3. maximal projection
 4. Spell-out
 5. thematic
 6. force
 7. clause
 8. Extended Projection Principle

پرش بلند^۱ که رو به پایین انجام می‌شود، بر روی فعل در بخش واجی قرار می‌گیرد (Lasnik, 1981). نهایتاً هسته متمم‌نما ادغام و نوع بند را مشخص می‌سازد.

در این مقاله از تعدیلی که بوورز^۲ (۱۹۹۳؛ ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳) در نمودارهای درختی برنامه کمینه‌گرا پیشنهاد کرده است، برای نشان دادن مشخصه‌های نمودی در نمودارهای درختی استفاده خواهیم کرد؛ زیرا اسناد^۳ مفهومی سنتی است که به رابطه بین فاعل و گزاره به‌عنوان دو سازه اصلی جمله دلالت دارد و هیچ رابطه‌ای بنیادی‌تر از اسناد در دستور نیست. در واقع، گره گروه اسناد جایگزینی برای گره گروه فعلی پوسته‌ای است (دبیرمقدم، ۱۳۸۳). در نمودارهای پیشنهادی لارسن^۴ (۱۹۸۸ و ۱۹۹۰)، یک گروه فعلی (گروه فعلی هسته‌ای درونی^۵) در درون گروه فعلی دیگر (گروه فعلی پوسته‌ای بیرونی^۶) جای دارد. در تحلیل وی، ساخت درونی جملات انتزاعی‌تر و پیچیده‌تر می‌شود (Jackendoff, 1990) که با اصل سادگی نظام زبانی فاصله دارد. افزون بر این، مشخصگر گروه فعلی جایگاه فاعل است، اما در تحلیل بوورز (۲۰۰۱)، گروه اسمی مفعولی در جایگاه مشخصگر گروه فعلی قرار می‌گیرد. در واقع، باید رویکرد قبل را در مورد اینکه فاعل در جایگاه مشخصگر گروه فعلی است، تعدیل کرد و آن را جایگاه مفعول دانست. به عبارت دیگر، باید از اصول قبلی عدول کرد. این موارد باعث شد تا بوورز (۲۰۰۱) گره گروه اسناد را به جای گره گروه فعلی پوسته‌ای مطرح کند. در این تحلیل، ساختار درونی جملات کمترین انتزاع را دارد و فاعل در جایگاه مشخصگر گروه اسناد و مفعول در جایگاه مشخصگر گروه فعلی واقع می‌شود. افزون بر این، دیگر نیازی به گروه فعلی دوسطحی (هسته‌ای و پوسته‌ای) نیست و گروه فعلی از انتزاع کمتری برخوردار است.

رویدادها به لحاظ نمود واژگانی به چهار نوع ایستا^۷، کنشی^۸، غایتمند^۹ و تحقق‌ی^{۱۰} برپایه مفاهیم نمودی پویایی، تداوم و غایی دسته‌بندی می‌شوند (Vendler, 1967, 100-105).

-
1. Affix hopping
 2. Bowers, J.
 3. predication
 4. Larson, R. K.
 5. Inner VP core
 6. Outer vP shell
 7. stative
 8. activity
 9. accomplishment
 10. achievement

رویدادهای ایستا، یکنواخت و تداومی هستند (مانند داشتن). رویدادهای کنشی، پویا و تداومی هستند که نقطه پایان ذاتی ندارند (مانند دوییدن). رویدادهای غایتمند پویا و تداومی هستند و نقطه پایان ذاتی دارند (مانند دایره کشیدن)، حال آنکه گزاره‌های تحقیقی، پویا، لحظه‌ای و دارای نقطه پایان ذاتی هستند (نظیر مردن). در این مقاله با توجه به شواهد زبان فارسی، نمود واژگانی رویدادهای ایستا، کنشی، غایتمندی و تحقیقی را در چارچوب برنامه کمیته‌گرا تحلیل و تبیینی از تنوع گزاره‌های متفاوت ایستا-پویا به لحاظ نمودی ارائه خواهیم کرد.

برخی محققان (Borer, 2005) تصریح می‌کنند که موضوع درونی، نقشی در نمود واژگانی رویداد ندارد؛ حال آنکه برخی دیگر (Declerck, 2007; MacDonald, 2008) نقش تعیین‌کننده‌ای برای آن قائل هستند. محققان دیگری نظیر مگردومیان^۱ (۲۰۰۱)، به نقش موضوع بیرونی در نوع نمود و رویداد نمودی اشاره دارند، حال آنکه برخی دیگر نظیر مک‌دانلد^۲ (۲۰۰۸) ادعای فوق را رد می‌کنند. از آنجا که در مورد نقش موضوع (درونی و بیرونی) و حوزه خوانش نمود اتفاق نظر وجود ندارد، نقش موضوع درونی و بیرونی در نمود واژگانی را بررسی خواهیم کرد تا مشخص شود که آیا نوع موضوع در تعیین نوع نمود رویداد تأثیرگذار است یا اینکه آن به عوامل دیگری وابسته است.

هدف دیگر پژوهش حاضر تعیین جایگاه گره نمود و فرافکنی نمودی با توجه به نمونه‌ها و شواهد زبان فارسی است. مطالعات بسیاری در مورد جایگاه نمود صورت گرفته و تحلیل‌های متفاوتی نیز در این مورد ارائه شده است. برخی (Borer, 2005; Travis, 2000) فرافکنی نمودی رویدادها را حدفصل گروه فعلی پوسته‌ای و هسته‌ای تلقی می‌کنند. محققان دیگر نظیر مگردومیان (2001)، تصریح می‌کنند که گروه فعلی هسته‌ای و پوسته‌ای نوع رویداد نمودی را تعیین می‌کنند. افزون‌براین، هارلی^۳ (۲۰۰۵) و هله و کیسر^۴ (۲۰۰۲) نمود و نوع رویداد نمودی را وابسته به فعل و ماهیت آن می‌دانند و تصریح می‌کنند که نمود از طریق انضمام ریشه اسم و

1. Megerdooian, K.
2. MacDonald, J.
3. Harley, H.
4. Hale, K. & Keyser, S. J.

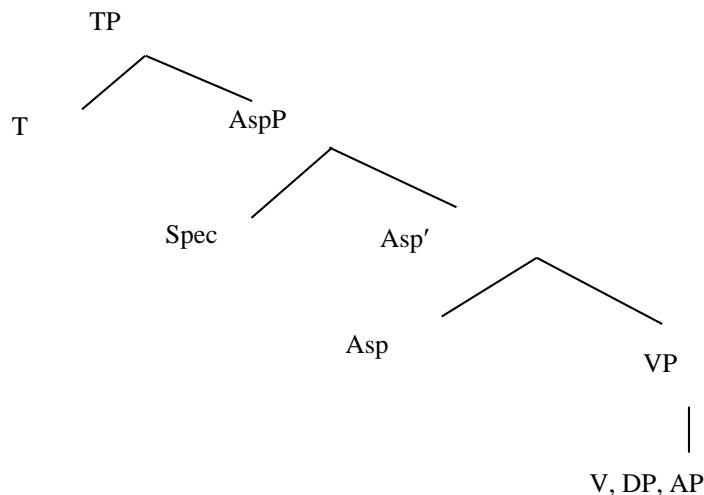
صفت به فعل سبک^۱ تعیین می‌شود. حال آنکه چامسکی (۲۰۰۴) و هگمن و لاندال^۲ (۲۰۱۱) تأکید دارند که گره تصریف زمان جایگاه نمود است. تنی^۳ (1987) نیز جایگاه خوانش نمودی را در گروه فعلی می‌داند. از آنجا که در مورد جایگاه نمود اتفاق نظر وجود ندارد، از طریق نمونه‌های زبان فارسی و با توجه به رویکرد کمینه‌گرا جایگاه نمود و حوزه خوانش نمودی را در نمودارهای درختی مشخص خواهیم کرد. همچنین، شواهدی مبنی بر اینکه مشخصه‌های نمودی در کدام گره نمودارهای درختی رقم می‌خورند، ارائه خواهیم نمود. رویدادهای غایتمند و تحقیقی نقطه پایان ذاتی دارند و این مشخصه سبب شده تا برخی ساختار درونی آنها را یکسان (Borer, 2005) و برخی متفاوت از یکدیگر تلقی کنند (MacDonald, 2008). با توجه به نمونه‌های زبان فارسی روشن خواهیم کرد که آیا نمودهای واژگانی غایتمند و تحقیقی ساختار یکسان یا متفاوت دارند.

۲. مطالعات پیشین در نمود واژگانی

ریتز و روزن^۴ (۲۰۰۰) و بُرر^۵ (۱۹۹۸) دو فرافکنی نقشی برای ساختار رویدادی نمود واژگانی قائل هستند. در رویکرد بُرر (۱۹۹۸)، هر دو فرافکنی (±غایی) و (±آغازین) در بالای گروه فعلی پسته‌ای و در رویکرد ریتز و روزن (۲۰۰۰)، بین گروه فعلی پسته‌ای و هسته‌ای واقع می‌شوند. بُرر (۲۰۰۵) و رمکند^۶ (۱۹۹۳) از طریق فرافکنی، نقش نمود را ارائه می‌دهند. تراویس^۷ (۱۹۹۱) از فرافکنی نمودی گروه نمودی^۸ بحث کرده و جایگاه نمود را در گروه فعلی پسته‌ای می‌داند. مک‌دانلد (۲۰۰۸) و تراویس (۲۰۰۰) نیز جایگاه فرافکنی نمودی را میان گروه فعلی پسته‌ای و هسته‌ای می‌دانند. بُرر (۲۰۰۵) نیز بر این باور است که خوانش غایی رویداد، هنگامی شکل می‌گیرد که گروه حرف تعریف کمی (قابل شمارش) در مشخصگر گروه نمود قرار گیرد. از نظر وی رویدادهای غایتمند متفاوت از رویدادهای تحقیقی‌اند، اما از نظر ساختار رویدادی^۹ تفاوتی با یکدیگر ندارند و دارای ساختار زیر هستند.

-
1. Light verb
 2. Haegeman, L. & Lohndal, T.
 3. Tenny, C.
 4. Ritter, E. & Rosen, S.
 5. Borer, B.
 6. Ramchand, G.
 7. Travis, L. D.
 8. AspP
 9. event structure

نمودار ۱. نمودار درختی رویدادهای تحقق‌ی و غایتمند (Borer, 2005)



از نظر برر (2005: 335) غایبی بودن رویدادهای تحقق‌ی به ماهیت موضوع درونی وابسته نیست، حال آنکه در رویدادهای غایتمند وابسته است. وی با ارائه شواهد ۱ الف و ب، بحث می‌کند که در رویدادهای تحقق‌ی، [±قابل شمارش] بودن مفعول صریح تأثیری بر [±غایبی] بودن رویداد ندارد و در هر صورت رویدادهای فوق [+غایبی] هستند.

۱ الف. جان هواپیما/ آب را *برای یک ساعت نگاه کرد.

1) a. John spotted a plane/ water *for an hour.

ب. جان طلا/ قطعه طلا را *برای یک ساعت پیدا کرد.

b. John found a nugget of gold *for an hour.

در نمونه‌هایی که وی ارائه می‌دهد فاعل تجربه‌گر در ساختار نمود ایفای نقش می‌کند و خوانش نمودی گزاره را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افزون‌براین، نمونه‌هایی مانند ۲ نیز نشان می‌دهند که موضوع درونی گزاره‌های تحقق‌ی، خوانش نمودی را متأثر می‌سازند. غیرغایبی بودن این رویداد تحقق‌ی و هم‌آیی آن با قید تداومی شاهدی بر رد ادعای وی هستند (MacDonald, 2008: 17).

۲) جان به مدت یک ساعت گوشت را خورد.

2) John had meat for an hour.

هارلی (47: 2005) از طریق رویکرد فرافکنی غیرنقشی نمود واژگانی را مطالعه کرده است. وی به تبعیت از هله و کیسر (2002)، تصریح می کند که غایی و غیرغایی بودن گزاره از طریق انضمام ریشه صورت می گیرد. اگر ریشه به طور ذاتی مقید باشد (برای نمونه زاییدن و درجبه گذاشتن)، پس فعل منتج شده نیز غایی است. چنین فعلی با قید تداومی ناسازگار است و با قیود محدود هم آبی دارد، حال آنکه اسامی غیرقابل شمارش آبیاری (water) و سرازیر شدن آب دهان (drool) که ذاتاً نامقید هستند، منتج به فعل غیرغایی شده و با قید تداومی هم آبی دارند.

مگردومیان (2001) نمود واژگانی افعال تحقیقی و غایتمندی را در گزاره‌های پیچیده زبان فارسی بررسی می کند. وی هسته فعلی پوسته‌ای (VP) را هسته نقشی که علت رویداد را بیان می کند و هسته فعلی گروه فعلی هسته‌ای را (VP) هسته تغییر حالت می داند. به عبارت دیگر، «علت» در هسته گروه فعلی پوسته‌ای و «شدن» در هسته گروه فعلی هسته‌ای قرار می گیرد. به باور وی، رویداد ۳ الف به علت حضور «شدن» رویداد تحقیقی است. در رویداد ۳ ب، موضوع بیرونی به گزاره حالت آغازین^۱ اعطا کرده و علت آن را بیان می کند؛ به این مفهوم که الحاق «علت»، گزاره تحقیقی را به رویداد غایتمند تبدیل می کند.

۳) الف. آدم برفی آب شد. 3) a. The snowman melted.

ب. آفتاب آدم برفی را آب کرد. b. The sun melted the snowman.

برخلاف گفته‌های وی، نمونه‌هایی مانند ۴ الف و ب نشان می دهند که اگر رویداد تحقیقی، فعل «شدن» را داشته باشد، رویداد غایتمند با الحاق موضوع سببی بیرونی^۲ شکل نمی گیرد.

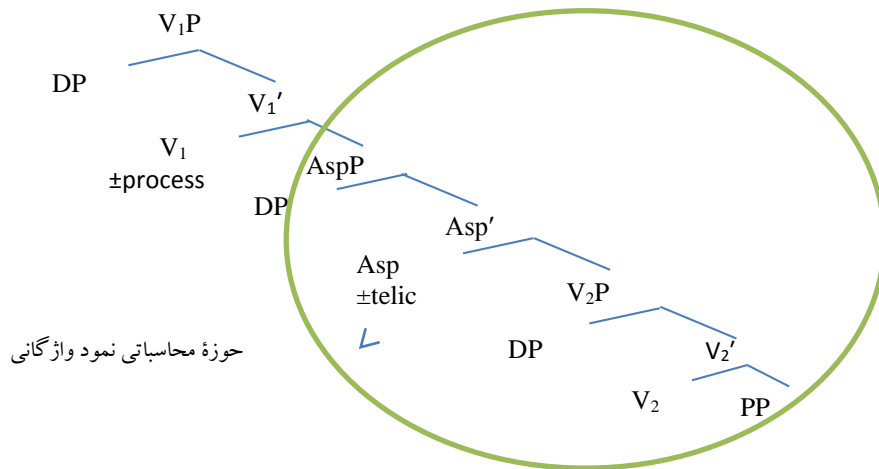
۴) الف. ده دقیقه طول کشید تا آدم برفی آب شود.

1. inchoative
2. external argument causer

ب. ده دقیقه طول کشید تا آفتاب آدم برفی را آب کند.

ر مکنند (19: 2003) ساختار بیشینه^۱ را برای تبیین فرافکنی موضوع و نمود واژگانی ارائه داده و تصریح می کند که هسته فعلی گروه فعلی هسته‌ای، هسته رویداد فعلی پویا و تنها بخش اجباری و فرافکنی‌های آغازین و نتیجه، اختیاری هستند. به عبارت دیگر، تفاوت خوانش رویدادهای غایتمند و تحقق‌ی، هسته فعلی است و تغییر را از طریق زمان بیان می کند. تراویس (141: 2010) نمودار درختی زیر را برای نمود واژگانی رویدادهای متفاوت ارائه می دهد. بر پایه نمودار فوق، مشخصه [± فرایند] در V₁ واقع است و این مشخصه، رویدادهای ایستا و تحقق‌ی را از رویدادهای غایتمند و کنشی متمایز می سازد. مشخصه [± غایی] رویدادهای تحقق‌ی و غایتمند را از رویدادهای ایستا و کنشی مشخص می کند. این مشخصه معنایی، مشخصه محاسباتی است که در نمود ظاهر می شود.

نمودار ۲. نمودار درختی رویدادهای نمودی متفاوت برگرفته از تراویس (2010)



بر پایه این رویکرد، رویدادهای غایتمند و تحقق‌ی مشخصه نمودی [+ غایی] مشترکی دارند و در مشخصه [± فرایند] از یکدیگر متفاوت هستند. رویدادهای غایتمند، مشخصه [+ فرایند] را در V₁ دارند، حال آنکه رویدادهای تحقق‌ی مشخصه [- فرایند] را در V₁ دارند.

1. maximal structure

باتوجه به مشخصه [±فرایند] در تعیین نمود رویدادهای تحقیقی و غایت‌مند، رویکرد تراویس (2010) و رمکند (2003) نظیر یکدیگر هستند.

مک‌دانلد (2008: 27) دو روش برای دسته‌بندی رویدادهای نمودی ایستا، کنشی، غایت‌مند و تحقیقی ارائه می‌دهد. در یک روش، چهار رویداد فوق را به رویدادهای ایستا و پویا (کنشی، غایت‌مندی و تحقیقی) به واسطه حضور یا عدم حضور فرافکنی نمودی گروه نمودی در گروه فعلی طبقه‌بندی می‌کند. به عبارت دیگر، رویدادهای پویا گروه نمودی دارند، حال آنکه رویدادهای ایستا ندارند. در روش دیگر، رویدادها را به دو گروه غایی و غیرغایی طبقه‌بندی می‌کند. رویدادهای کنشی و ایستا، غیرغایی و رویدادهای غایت‌مند و تحقیقی غایی هستند. رویدادهایی که هم آغاز و هم پایان دارند، غایی و رویدادهای دیگر غیرغایی هستند. رویدادهای کنشی فقط مشخصه <ie> دارند و رویدادهای ایستا هیچ مشخصه‌ای اعم از آغاز و یا پایان ندارند!

۳. یافته‌ها

۳-۱. خوانش‌های متغیر ایستا - پویای نمود واژگانی

تنوع درون‌زبانی در حوزه نمود در گزاره‌های ایستا و پویای زبان فارسی مشاهده می‌شود. در نمونه‌های ۵ الف و ب، قابل شمارش و یا غیرقابل شمارش بودن گروه اسمی در نقش موضوع درونی بر خوانش نمودی رویدادهای ایستا تأثیری ندارد و این رویدادها با گروه حرف اضافه‌ای تداومی هم‌آیی دارند که تأییدی بر غیرغایی بودن آنها است. افزودن گروه حرف اضافه‌ای علت نیز تأثیری بر غایی و یا غیرغایی بودن رویداد ندارد که شاهدی بر عدم وجود حوزه خوانش نمودی (گروه نمود) در رویدادهای ایستاست (نمونه‌های ۵ پ و ت).

۵) الف. مهیار برای یک هفته کره بادام زمینی دوست داشت.

ب. مهیار برای یک هفته آن کتاب‌ها را داشت.

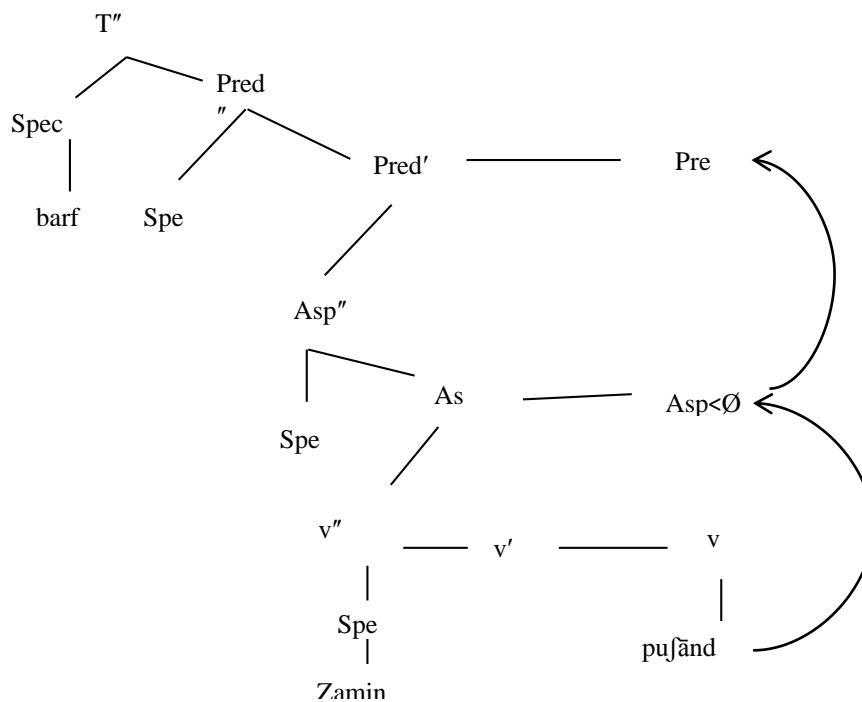
پ. مهیار برای یک هفته به خاطر پیشنهاد پزشک‌اش کره بادام زمینی دوست داشت.

ت. مهیار قبلاً برای یک هفته آن کتاب‌ها را برای تحقیق کلاسی داشت.

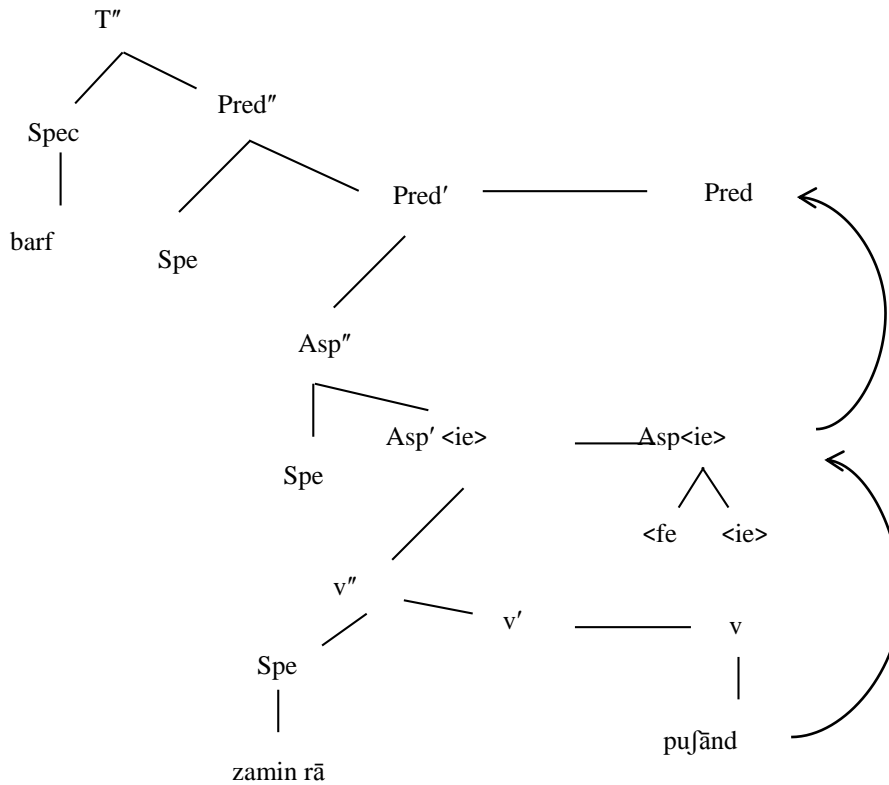
۱. در این مقاله <ie> به مفهوم مشخصه آغاز و <fe> مشخصه پایان رویداد است.

شواهد زبان فارسی نشان می‌دهند که رویدادها به لحاظ نمود، دو خوانش متغیر ایستا و پویا دارند. به عبارت دیگر، رویدادها خوانش‌های متغیر ایستا - تحقیقی، ایستا - کنشی و ایستا - غایتمند دارند. برای نمونه، رویداد «قطره باران بر زمین افتاد» ایستاست (به این مفهوم که مدتی از افتادن آن بر زمین می‌گذرد)، حال آنکه همین رویداد در لحظه برخورد قطره با زمین تحقیقی است و این تغییرپذیری از طریق عدم حضور گروه نمود در خوانش ایستا و حضور گروه نمود در خوانش تحقیقی تبیین می‌گردد. همچنین، در نمونه «زمستان، برف زمین را پوشاند» به این مفهوم که برف کل محوطه را پوشانده است، پویایی ندارد. حال آنکه «برف زمین را پوشاند»، به این مفهوم که برف بیارد تا اینکه کل محوطه پوشیده شود؛ در آن لحظه‌ای که همه زمین پوشانده شود، رویداد تحقیقی است. نمودارهای درختی رویدادهای ایستا (نمودار ۳) و تحقیقی (نمودار ۴) گزاره‌های فوق در زیر می‌آید.

نمودار ۳. نمودار درختی رویداد ایستای «برف زمین را پوشاند»



نمودار ۴. نمودار درختی رویداد تحققی «برف زمین را پوشاند»

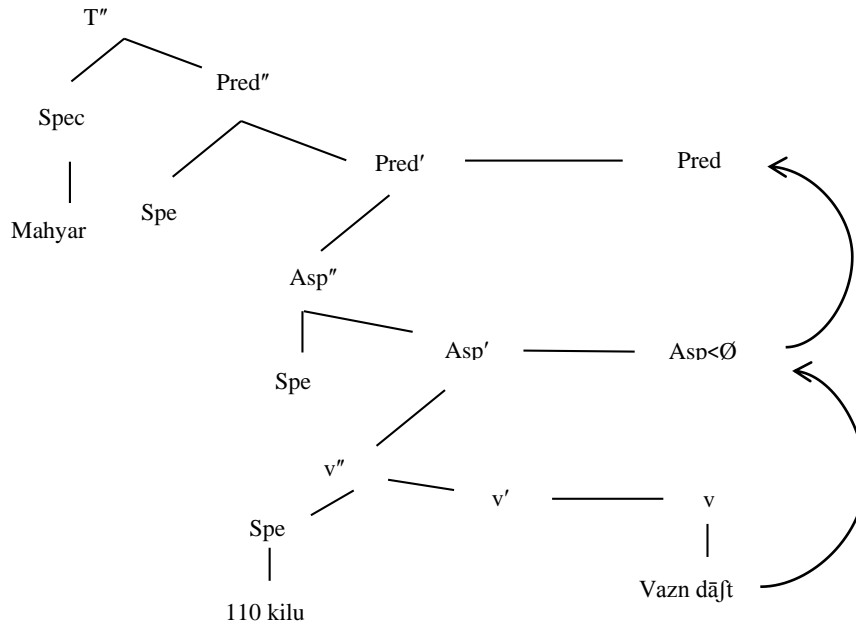


نوع دیگری از تغییر ایستا - پویا را در خوانش رویدادهای ایستا - کنشی می‌بینیم. برای نمونه رویدادهای ۶ الف و ب ایستا هستند؛ حال آنکه رویدادهای ۶ پ و ت با همان افعال نمود کنشی دارند.

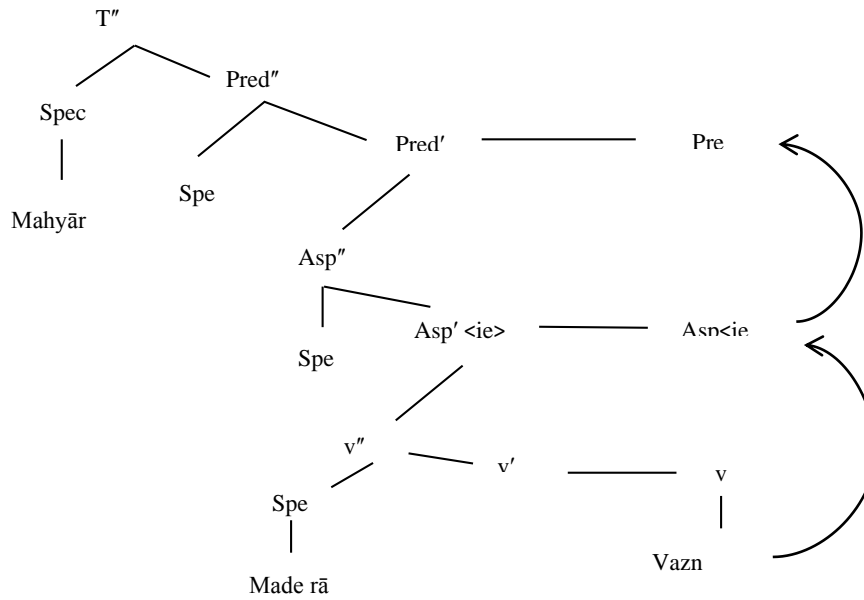
- ۶ الف. مهیار فکر می‌کرد که رنگ بر مزه تأثیر دارد.
- ب. مهیار پارسال ۱۱۰ کیلو وزن داشت.
- پ. مهیار قبل از پاسخ به سؤال یک دقیقه فکر کرد.
- ت. مهیار ماده زرد رنگ را به مدت ده دقیقه وزن کرد.

نمودار درختی ساختارهای ایستا و کنشی به ترتیب در نمودارهای زیر ارائه می‌شود.

نمودار ۵. نمودار درختی رویداد ایستا «مهیار پارسال ۱۱۰ کیلو وزن داشت»

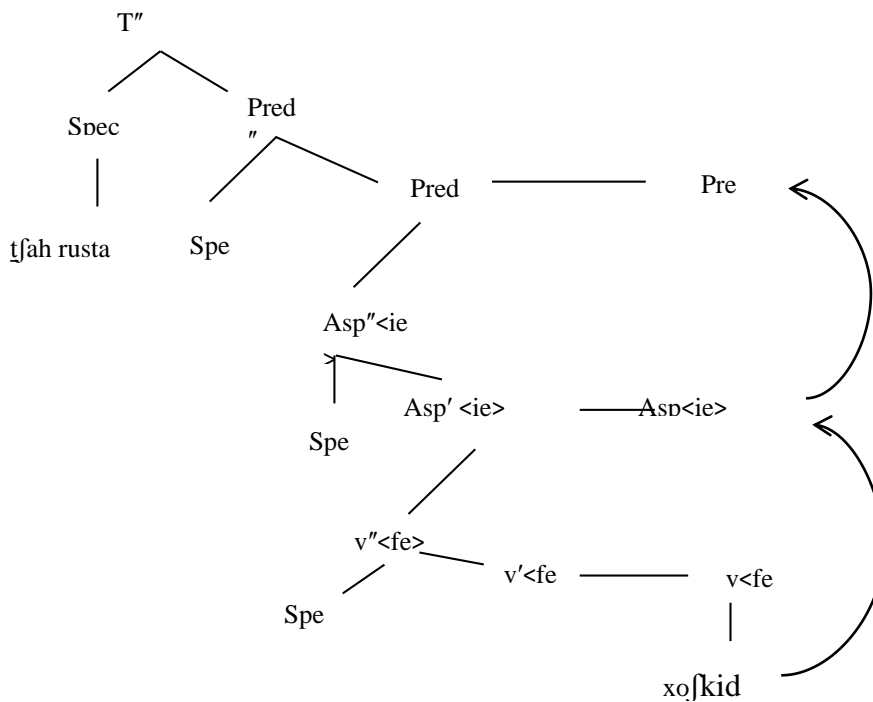


نمودار ۶. نمودار درختی رویداد کنشی «مهیار ماده زرد رنگ را به مدت ده دقیقه وزن کرد»



خوانش‌های متغیر ایستا - پویا در رویدادهای ایستا - غایتمند زبان فارسی نیز مشاهده می‌شوند. برای نمونه، رویداد «چاه روستا خشکید/ خشک است» ایستا است و پویایی ندارد (به این مفهوم که مدت‌هاست آب ندارد)، حال آنکه رویداد «چاه روستا دارد می‌خشکد» پویایی و تداوم قبل از رسیدن به نقطه پایانی ذاتی «چاه روستا خشکید» (به مفهوم الان دیگر آب ندارد) و رویداد غایتمند را نشان می‌دهد. نمودار درختی نمود غایتمند در زیر ارائه می‌شود.

نمودار ۷. نمودار درختی رویداد غایتمند 'چاه روستا خشکید'



در رویدادهای غایتمند، رویداد شروع می‌شود، برای مدتی ادامه دارد و سپس خاتمه می‌یابد، حال آنکه رویدادهای تحقیقی چنین خوانشی ندارند. به عبارت دیگر، رویدادهای غایتمند، قابلیت گسترش‌پذیری زمان دارند و میان زمان شروع و پایان رویداد، گذر زمان وجود دارد، اما رویدادهای تحقیقی لحظه‌ای هستند و میان زمان شروع و پایان آنها گذر زمان وجود ندارد و به محض اینکه رویداد شروع شود، خاتمه می‌یابد. برای نمونه، رویداد «ده

دقیقه طول کشید تا مهیار ساندویچ را بخورد» غایتمند است و میان آغاز و پایان رویداد گذر زمان وجود دارد؛ حال آنکه در رویداد تحقیقی «ده دقیقه طول کشید تا مهیار چوب را بشکند» تفاوتی میان زمان شروع و پایان رویداد وجود ندارد، زیرا نقطه شروع و پایان رویدادهای تحقیقی همزمان است و با یکدیگر هم‌پوشی دارند. این مشخصه‌ها نشان می‌دهند که به لحاظ ساختار رویدادی، گزاره‌های تحقیقی از غایتمند متفاوت‌اند.

نمونه‌های ۷ الف و ب نشان می‌دهند که رویدادهای غایتمند و تحقیقی با قیود تداومی (برای یک ساعت / در یک ساعت) هم‌آیی دارند. سازگاری قیود تداومی با این رویدادها مؤید آن است که رویداد در دفعات متعدد تکرار می‌شود و برای مدت معینی ادامه می‌یابد. با توجه به اینکه رویدادهای غایی پایان دارند، این پایان از طریق قید تداومی تکرار می‌شود. در این خوانش تداومی از رویدادهای غایتمند و تحقیقی، هر رویداد از چند رویداد مشابه خرد تشکیل می‌شود. به عبارت دیگر، هم‌آیی قید تداومی با رویدادهای غایی برخلاف رویدادهای غیرغایی رویدادی تکراری را رقم می‌زند، حال آنکه در رویدادهای غیرغایی، نقطه پایان وجود ندارد و رویداد برای مدتی ادامه می‌یابد، بدون اینکه به پایان برسد و تکرار شود؛ در نتیجه، خوانش رویدادی منفرد (تک رویدادی) ایجاد می‌شود.

۷ الف. کودک برای ربع ساعت توپ را داخل سبد می‌انداخت (غایتمند).

ب. ناخدا برای دو دقیقه هواپیما را نگاه کرد (تحقیقی).

پ. کودک سیب را *برای نیم ساعت خورد (غایتمند).

در نمونه ۷ پ، قید تداومی (برای نیم ساعت) با رویداد غایتمند فوق هم‌آیی ندارد، زیرا خوردن سیب نمی‌تواند مکرراً تکرار شود؛ سیبی که یک بار خورده شود دیگر وجود خارجی برای دوباره خورده شدن ندارد. به همین سبب قیود تداومی با این رویداد هم‌آیی ندارد و این رویداد خوانش غایی دارد. نمونه‌های فوق نشان می‌دهند که برخلاف یافته‌های مک‌دانلد (۲۰۰۸: ۳۶) و اشمیت^۱ (۲۰۰۰: ۲۸۰) مبنی بر سازگاری قیود تداومی با همه رویدادهای غایتمند و تحقیقی، این قیود با همه رویدادهای غایتمند و تداومی هم‌آیی ندارند زیرا نوع مصداقی که فعالیت بر روی آن انجام می‌شود، پذیرای تکرار کنش / عمل نیست و قید تداومی خوانش تکراری از رویداد به دست نمی‌دهد.

1. Schmitt, C.

۲-۳. نقش موضوع در خوانش نمودی رویداد

با توجه به اینکه یافته‌های پژوهش‌های پیشین در مورد نقش موضوع در خوانش نمودی رویدادها همسو نیست و برخی (MacDonald, 2008; Declerck, 2007: 61) بر نقش موضوع درونی در نمود تأکید دارند، حال آنکه برخی دیگر (Borer, 2005) نقش موضوع درونی در نمود و خوانش آن را تعیین‌کننده نمی‌دانند، در این بخش با توجه به نمونه‌های زبان فارسی نقش موضوع در خوانش نمودی رویدادها را بررسی می‌کنیم.

در نمونه‌های ۸ الف و ب، با توجه به اینکه موضوع درونی معرفه است، اما رویداد غیرغایی است. نمونه‌های پ و ت نیز این گونه‌اند. در نمونه‌های ۹ الف و ب موضوع درونی معرفه است، اما رویدادها خوانش غایی دارند. این شواهد تأییدی هستند بر اینکه معرفه یا نکره بودن گروه اسمی در نقش موضوع درونی تأثیری بر غایی یا غیرغایی بودن رویداد ندارد، بلکه مشخصه‌های گروه اسمی موضوع درونی (قابل شمارش یا غیرقابل شمارش) تعیین‌کننده‌اند؛ زیرا موضوع در نمونه‌های ۸ و ۹ معرفه‌اند، اما مثال ۸ غیرغایی و نمونه‌های ۹ غایی‌اند.

۸) الف. مهیار آب را نوشید.

ب. مهیار آب را در دو دقیقه نوشید.

پ. مهیار بشقاب برنج را در ده دقیقه خورد.

ت. مهیار برنج را خیلی زیاد دوست داشت.

۹) الف. مهیار یک لیوان آب نوشید.

ب. مهیار کیک را تا ده دقیقه خواهد خورد.

قید تداومی در نمونه ۱۰ الف خوانش تکراری از رویداد ارائه می‌دهد؛ زیرا موضوع درونی [+کمی] است. این رویداد بیان می‌کند که مهیار مکرراً «کنده را به داخل انبار می‌برد» حال آنکه در نمونه ب موضوع [-کمی] است، رویداد تکرار نمی‌شود و خوانش منفرد دارد. این موارد تأییدی است بر اینکه $[\pm\text{کمی}]$ موضوع درونی در نوع خوانش نمود متأثر است. نمونه ۱۰ الف خوانش غایی و نمونه ۱۰ ب خوانش غیرغایی دارد.

- ۱۰ الف. مهیار گنده را (برای یک ساعت) داخل انبار کشید.
ب. مهیار خار و خاشاک را (برای یک ساعت) داخل انبار کشید.

نمونه‌های ۱۱ الف و ب نشان می‌دهند که [± کمی] گروه اسمی در نقش موضوع بیرونی بر نوع خوانش رویداد «نوشیدن» تأثیری ندارد. اگر موضوع بیرونی [- کمی] باشد (نمونه ۱۱ ب) رویداد باید خوانش غیرغایی داشته باشد و رویداد غایتمند فوق با قید تداومی هم‌آیی داشته باشد، حال آنکه این نمونه نشان می‌دهد که مشخصه [± کمی] گروه اسمی در نقش موضوع بیرونی تأثیری بر خوانش نمودی رویداد ندارد و هر دو رویداد فوق با قیود محدود زمان سازگاری دارند.

- ۱۱ الف. گاو سطل آب را *در ده دقیقه/ تا ده دقیقه نوشیده بود.
ب. چارپایان سطل آب را *در ده دقیقه/ تا ده دقیقه نوشیده بودند.

نمونه‌های ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ شواهدی هستند بر اینکه اسامی [- کمی] در نقش موضوع درونی در خوانش نمودی رویداد مشارکت دارند، حال آنکه این گروه‌های اسمی [- کمی] به عنوان موضوع بیرونی تأثیری بر نمود و نوع خوانش آن ندارند.
در نمونه‌های ۱۲ الف و ب، گروه‌های اسمی کلوچه‌ها و سیب‌ها موضوع درونی و جمع هستند. رویدادهای فوق نمود عادت‌ی را نشان می‌دهند؛ به این مفهوم که مهیار به مدت نیم ساعت تعداد نامعینی کلوچه یا سیب می‌خورد، اما اگر موضوع درونی اسم غیرقابل شمارش باشد (نظیر نمونه پ)، این خوانش از رویداد به دست نمی‌آید و رویداد خوانش منفرد دارد. این نمونه‌ها تأییدی هستند بر اینکه اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش نمودی متفاوتی از رویدادها ارائه می‌دهند. در ۱۲ ت مهیار هر دقیقه یک سیب می‌خورد و این کنش مرتباً تکرار می‌شود و توالی کنش‌های همسان رخ می‌دهد، حال آنکه در نمونه ۱۲ د برای اسامی غیرقابل شمارش کنش نمی‌تواند تکرار شود؛ زیرا کنش بر روی موضوع به صورت کلی (کیک) انجام نشده است. نمونه‌های الف، ب و ت غایی و نمونه‌های پ و د غیرغایی هستند.

- ۱۲) الف. مهیار در (عرض) نیم ساعت / برای (مدت) نیم ساعت کلوچه‌ها را خورد.
ب. مهیار در (عرض) نیم ساعت / برای (مدت) نیم ساعت سیب‌ها را خورد.
پ. مهیار در (عرض) ده دقیقه / برای (مدت) ده دقیقه کیک خورد.
ت. مهیار در هر یک دقیقه برای (مدت) نیم ساعت کلوچه‌ها را خورد.
د. مهیار * در هر یک دقیقه برای (مدت) نیم ساعت کیک خورد.

در نمونه ۱۳ الف، رویداد خوانش نمودی مبهم غایی و غیرغایی دارد و بین این دو نمود متغیر است؛ زیرا با هر دو نوع قیود محدود و تداومی هم‌آیی دارد. با افزودن مسبب^۱ به نمونه ۱۳ الف، تغییری در خوانش نمود آن ایجاد نمی‌شود و رویداد ۱۳ ب نیز به لحاظ نمودی مبهم است.

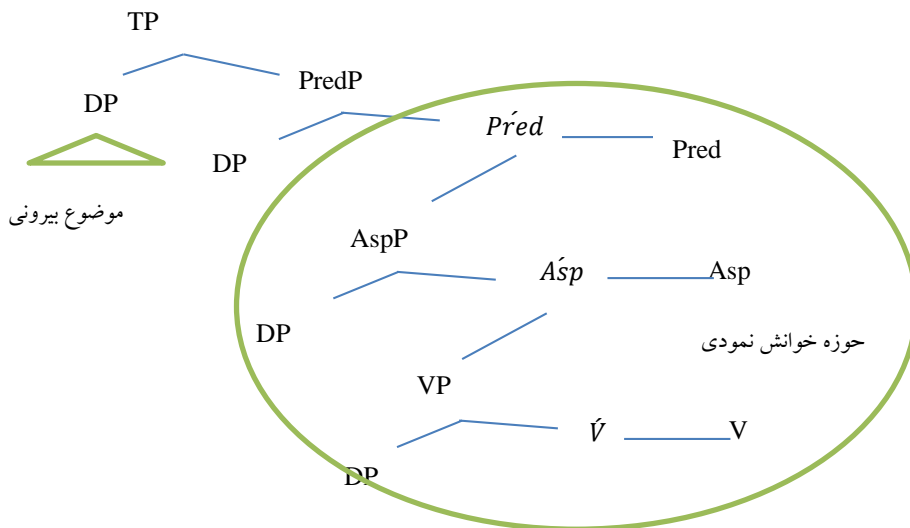
- ۱۳) الف. سوپ در (عرض) یک ساعت / برای (مدت) یک ساعت سرد شد.
ب. مهیار سوپ را در (عرض) یک ساعت / برای (مدت) یک ساعت سرد کرد.

این شواهد تأییدی است بر یافته‌های هی^۲ و همکاران (1999: 132) مبنی بر اینکه در ساخت‌های سببی، مسبب خارج از بازنمایی رویداد است و الحاق آن تغییری در نمود رویداد ایجاد نمی‌کند و خوانش نمود به حضور موضوع بیرونی به عنوان مسبب وابسته نیست. یافته‌های این تحقیق در زمینه تأثیر موضوع درونی و بیرونی بر خوانش نمود هماهنگ با یافته‌های تنی (۱۹۸۷) است مبنی بر اینکه موضوع درونی [+کمی] با قیود تداومی خوانش تکراری از رویداد ارائه می‌دهد؛ حال آنکه [±کمی] موضوع بیرونی نقشی در نوع خوانش نمود رویداد ندارد. افزون بر این، نمونه‌های زبان فارسی تأییدی هستند بر اینکه برخلاف یافته‌های مگردومیان (۲۰۰۱) موضوع بیرونی خارج از حوزه‌ای است که در آن، نمود رویداد و خوانش آن انجام می‌شود و [±کمی] موضوع بیرونی نقشی در نمود رویداد ندارد. به عبارت دیگر، سازه‌ای در خوانش نمودی رویداد مشارکت دارد که در حوزه نمودی رویداد واقع باشد. افزون بر این، یافته‌ها در مورد نقش موضوع درونی در خوانش نمودی رویداد و اینکه موضوع [-کمی] خوانش غیرغایی رویداد را رقم می‌زند، هماهنگ با یافته‌های مک‌دانلد (۲۰۰۸) است.

1. causer
2. Hay, J.

شواهد مطرح شده در این بخش نشان داد که موضوع بیرونی نقشی در خوانش نمود ایفا نمی‌کند. به لحاظ ساختاری نیز موضوع بیرونی بالاتراز گره گروه نمودی و یا حوزه خوانش نمودی واقع است. بنابراین، جایگاه نمود برخلاف چامسکی (۲۰۰۴) و هگمن و لاندال (۲۰۱۱) که گره تصریف زمان را جایگاه نمود تلقی می‌کنند، در گره اسناد واقع است. ارتباط بین موضوع و حوزه خوانش نمودی به لحاظ ساختاری در نمودار زیر نشان داده می‌شود.

نمودار ۸. حوزه خوانش نمودی در نمود واژگانی



۳-۳. ساختار درختی نمودهای واژگانی

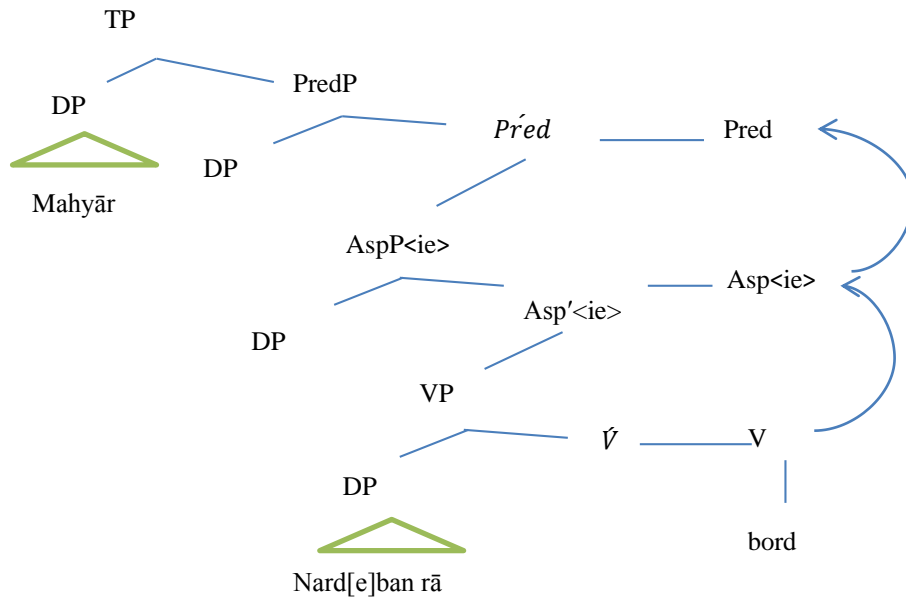
مشخصه‌های رویدادی رویداد (<آغاز> و <پایان>) و ارتباط بین آنها نوع نمود واژگانی را تعیین می‌کند. در زیر ساختار نمودی رویدادهای ایستا، کنشی، غایتمند و تحقیقی بررسی می‌شود.

۳-۱-۳. ساختار نمودی رویدادهای کنشی

هر رویدادی از مشخصه‌های رویدادی نمودی تشکیل شده است. این مشخصه‌های رویدادی در نحو در جایگاه هسته قرار دارند و به فرافکنی بیشینه آن گروه فرافکننده می‌شوند.

رویدادهای کنشی دارای مشخصه <آغاز> هستند. رویداد کنشی «مهیار نردبان را برد» دارای ساختار نمودی زیر است.

نمودار ۹. نمودار درختی رویداد کنشی «مهیار نردبان را برد»

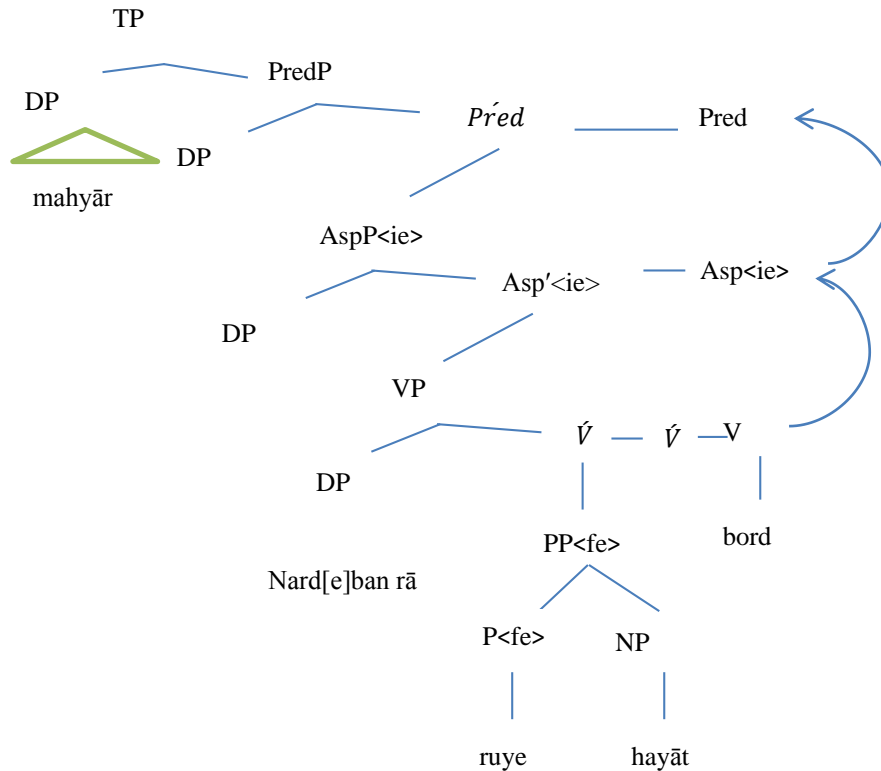


۲-۳-۳. ساختار نمودی رویدادهای غایتمند

رویدادهای غایتمند مشخصه‌های رویدادی <آغاز> و <پایان> دارند. برای نمونه، «مهیار نردبان را روی حیاط برد» و «مهیار یک لیوان آب نوشید» رویدادهای غایتمند هستند. نمودار درختی نمونه اول در زیر ارائه می‌شود.

بر پایه نمودار فوق، در ساختار نمودی رویدادهای غایتمند مشخصه‌های نمودی رویدادی (مشخصه‌های <آغاز> و <پایان>) فرافکنی‌های جداگانه‌ای دارند. به این مفهوم که مشخصه‌های <آغاز> و <پایان> از گره‌های متفاوتی به گره گروه فرافکنی می‌شود.

نمودار ۱۰. نمودار درختی رویداد غایتمند «مهیار نردبان را روی حیاط برد»



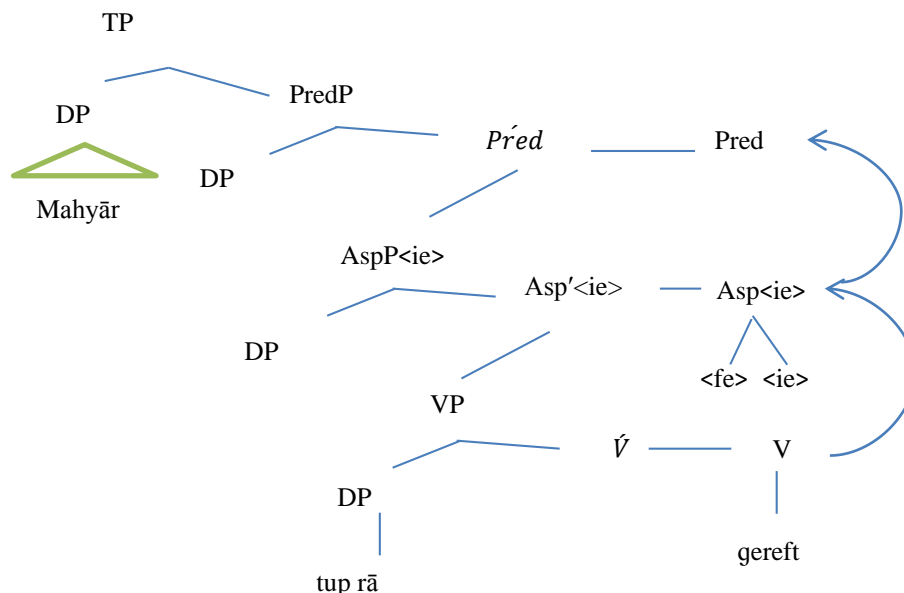
۳-۳-۳. ساختار نمودی رویدادهای تحقیقی

رویدادهای تحقیقی دارای مشخصه‌های <آغاز> و <پایان> هستند، اما در این رویدادها، گذر زمان بین نقاط آغاز و پایان رویداد وجود ندارد. برای نمونه «مهیار توپ را گرفت» رویدادی تحقیقی است که نمودار درختی آن در زیر ارائه می‌شود.

در نمودار درختی زیر، مشخصه‌های رویدادی <آغاز> و <پایان> در ترتیب و نمای خاصی در گره‌ها قرار می‌گیرند، اما فقط مشخصه رویدادی <آغاز> (<ie>) به گروه نمود فرافکنی می‌شود و فقط آغاز رویداد توصیف می‌شود. در رویدادهای غایتمند، مشخصه‌های رویدادی <آغاز> و <پایان> در هسته‌های جداگانه‌ای قرار دارند. بنابراین، هر دو مشخصه به سطوح گره‌های فرافکنی بیشینه فرافکنی می‌شوند و نتیجتاً، هم آغاز و هم پایان رویداد توصیف می‌شود که تبیینی برای تفاوت ساخت رویدادی رویدادهای غایتمند و تحقیقی است.

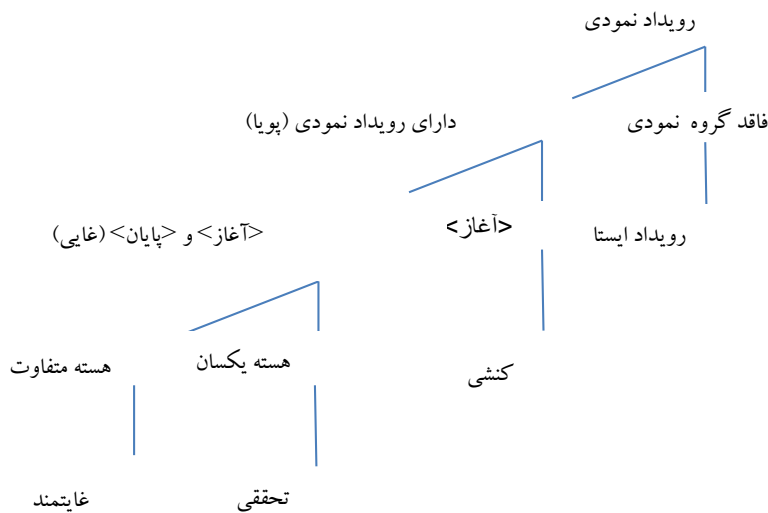
افزون بر این، مشخصه‌های آغاز و پایان در نمودار درختی رویدادهای تحقیقی در یک گره قرار دارند که تأییدی بر لحظه‌ای بودن رویداد و عدم وجود گذر زمان میان آغاز و پایان رویداد است؛ حال آنکه در رویدادهای غایتمند متفاوت بودن جایگاه مشخصه‌های آغاز و پایان رویداد در گره‌ها تأییدی بر گذر زمان بین این دو مشخصه رویدادی و گسترش‌پذیری رویدادهای غایتمند است. ماهیت لحظه‌ای رویدادهای تحقیقی از این واقعیت ناشی می‌شود که میان آغاز و پایان رویداد فاصله زمانی وجود ندارد و این دو مشخصه رویدادی، رخداد همزمان دارند. به عبارت دیگر، به لحاظ ساختاری هنگامی که ارتباط تسلط سازه‌ای بین مشخصه‌های <ie> و <fe> وجود داشته باشد، فاصله زمانی نیز بین آغاز و پایان رویداد وجود دارد. در صورتی که تسلط سازه‌ای بین مشخصه‌های <ie> و <fe> وجود نداشته باشد، فاصله زمانی بین آغاز و پایان رویداد نیز وجود نخواهد داشت. از آنجا که مشخصه‌های <ie> و <fe> در رویدادهای غایتمند در هسته‌های گره‌های جداگانه قرار دارند، پس فاصله زمان نیز میان آغاز و پایان رویداد وجود دارد. رویدادهای ایستا مشخصه‌های رویدادی <ie> و <fe> ندارند.

نمودار ۱۱. نمودار درختی رویداد تحقیقی «مهبیار توپ را گرفت»



یافته‌های این پژوهش در ارتباط با مشخصه‌های نمودی رویدادی همسو با یافته‌های مک‌دانلد (۲۰۰۸) در زبان انگلیسی است؛ با این تفاوت که وی گروه نمود را بین گروه‌های فعلی پوسته‌ای و هسته‌ای متصور است، حال آنکه در این مقاله گروه نمود در گره اسناد واقع است. براساس توضیحات ارائه‌شده، انواع رویدادهای نمودی با توجه به گروه نمودی و مشخصه [±غایی] در نمودار درختی زیر آورده می‌شود.

نمودار ۱۲. انواع نمود واژگانی با توجه به گروه نمود و مشخصه‌های غایی و غیرغایی

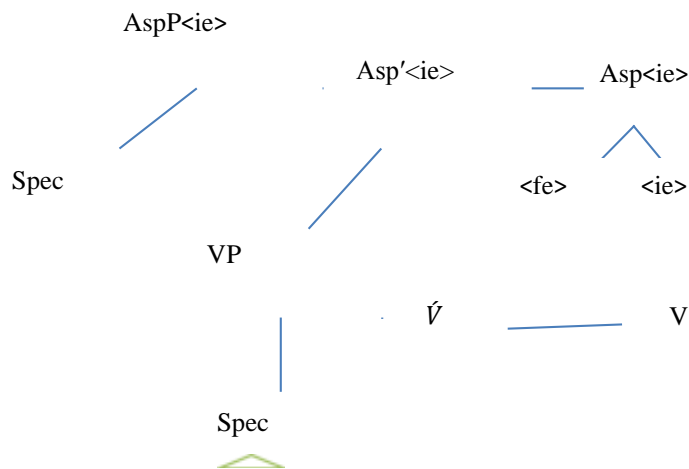


هنگامی که موضوع درونی، گروه اسمی غیرقابل شمارش است، مشخصه پایان رویداد <fe> در خوانش نمود گزاره مشارکت ندارد؛ زیرا در حوزه خوانش نمودی نیست. حوزه خوانش نمودی یک حوزه کمینه است که از طریق فرافکنی گروه نمودی رقم می‌خورد. گروه نمود (حوزه خوانش نمود) کمینه باقی می‌ماند، مگر اینکه رویداد دارای گروه اسمی قابل شمارش به عنوان موضوع درونی باشد که در این صورت حوزه نمود گسترش می‌یابد. از آنجا که مشخصه آغاز رویداد (<ie>) همیشه در نمود ادغام می‌شود، پس در حوزه خوانش نمودی قرار می‌گیرد و نقطه آغاز رویداد را نشان می‌دهد. اگر گروه اسمی غیرقابل شمارش موضوع درونی باشد حوزه نمود گسترش نخواهد یافت و رویداد غیرغایی تلقی می‌شود. افزون‌براین، هنگامی که در رویداد گروه اسمی وجود ندارد، حوزه نمود به صورت

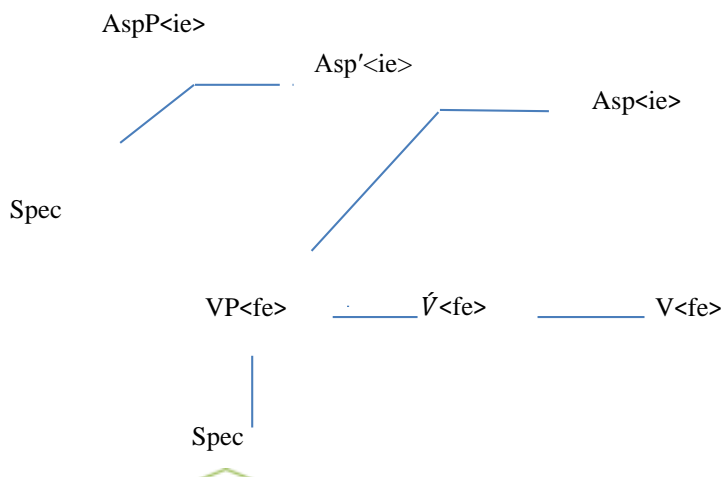
کمینه باقی خواهد ماند و رویداد غیرغایی است. فقط هنگامی که گروه اسمی قابل شمارش در رویداد حضور داشته باشد حوزه نمود گسترده می شود.

مشخصه‌های رویدادی بر روی هسته‌های متفاوتی در نحو قرار می گیرند. مشخصه <fe> بر روی هسته‌های نمود، فعل و حرف اضافه واقع می شود. به عبارت دیگر، اگرچه مشخصه <fe> بر روی هر کدام از این هسته‌ها می تواند ظاهر شود، اما مستقل از آنهاست. این استقلال واژگانی مشخصه‌ها بر اساس اصل فرافکنی گسترده^۱ چامسکی (109: 2000) قابل تبیین است زیرا مشخصه <fe> عنصر اختیاری متغیر در زبان‌هاست و تغییرپذیری آن بر اساس حضور یا عدم حضور آن بر روی آن فرافکنی، مستقل از آن فرافکنی است. مقایسه نمودارهای درختی رویدادهای تحقیقی (۱۳) و غایتمند (۱۴) تأییدکننده این موضوع برای مشخصه <fe> با توجه به نمود و فعل است.

نمودار ۱۳. نمودار درختی رویداد تحقیقی



نمودار ۱۴. نمودار درختی رویداد غایتمند



نمودارهای فوق نشان می‌دهند که مشخصه <fe> از گره نمود در نمودار ۱۳ به گره فعل در نمودار ۱۴ حرکت می‌کند. این حرکت هنگامی رخ می‌دهد که آن مشخصه به آن فرافکنی که روی آن ظاهر می‌شود، وابسته نباشد. به عبارت دیگر، مشخصه‌های رویدادی مستقل از فرافکنی‌هایی هستند که بر روی آنها ظاهر می‌شوند.

در نمونه‌های ۵ و ۶ که در بخش ۴ مطرح شد، مشخص گردید که رویداد نمودی این افعال بین خوانش ایستا و پویا متغیر است. این مشخصه به علت حرکت نمود در رویداد پویا و عدم حضور آن در خوانش رویداد نمودی ایستاست. این مشخصه تغییرپذیری نمود میان رویدادهای ایستا و پویا مؤید آن است که نمود وابسته به معنای واژگانی این افعال نیست زیرا اگر نمود وابسته به معنای واژگانی بود، رویداد در هر موقعیتی نمود یکسان (ایستا و یا پویا) داشت. در این قسمت به شواهد بیشتری اشاره می‌کنیم که خوانش نمودی متفاوتی دارند.

۱۴ الف. کارگران جاده را در (عرض) یک هفته / برای (مدت) یک هفته تعریض کردند.
 ب. آفتاب یخ‌گوش را در (عرض) نیم ساعت / برای (مدت) نیم ساعت آب کرد / باز کرد.

نمونه‌های ۱۴ الف و ب بین خوانش کنشی و تحقیقی متغیر هستند؛ زیرا هم با قیود تداومی و هم با قیود محدود هم‌آیی دارند. در خوانش کنشی یک هفته طول می‌کشد تا جاده تعریض

شود و یا اینکه نیم ساعت طول می کشد تا گوشت منجمد شده باز شود. با قیود محدود، تنها خوانش آن است که زمان شروع رویداد بیان شود. به عبارت دیگر، فقط بعد از گذشت یک هفته جاده تعریض می شود و یا فقط بعد از گذشت نیم ساعت یخ گوشت باز می شود. افزون بر این، آزمون استلزام استمراری تفاوت دو خوانش را تأیید می کند. در رویدادهایی که به لحاظ نمود مبهم هستند و خوانش متفاوت دارند (مانند خوانش کنشی - تحقیقی)، این آزمون با رویدادهای کنشی گزاره‌های درستی به دست می دهد، حال آنکه با رویدادهای تحقیقی گزاره‌های نادرست ایجاد می کند (نمونه‌های ۱۵ الف و ب).

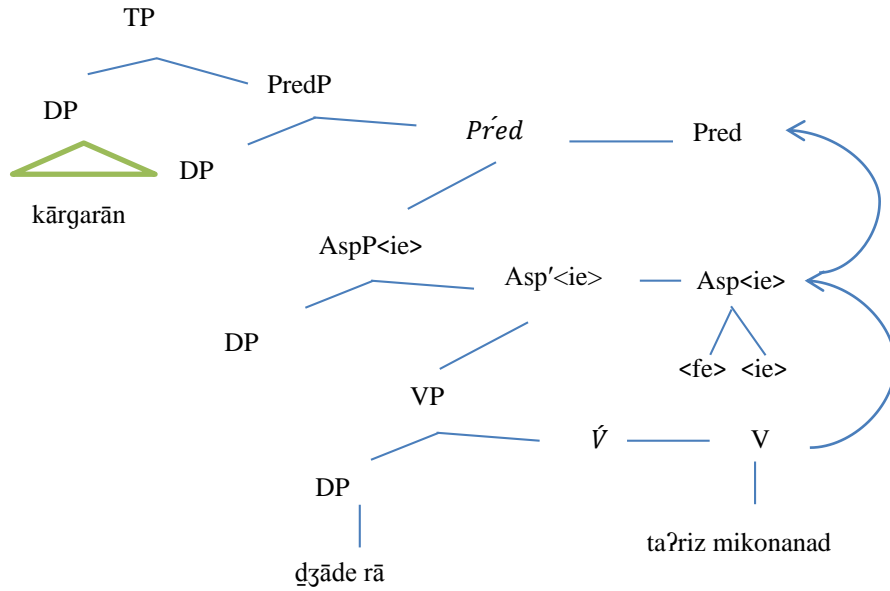
۱۵ الف. کارگران (دارند) جاده را تعریض می کنند. ← / ← کارگران جاده را تعریض کرده اند.^۱

ب. آفتاب (دارد) یخ گوشت را آب می کند. ← / ← آفتاب یخ گوشت را آب کرده است.

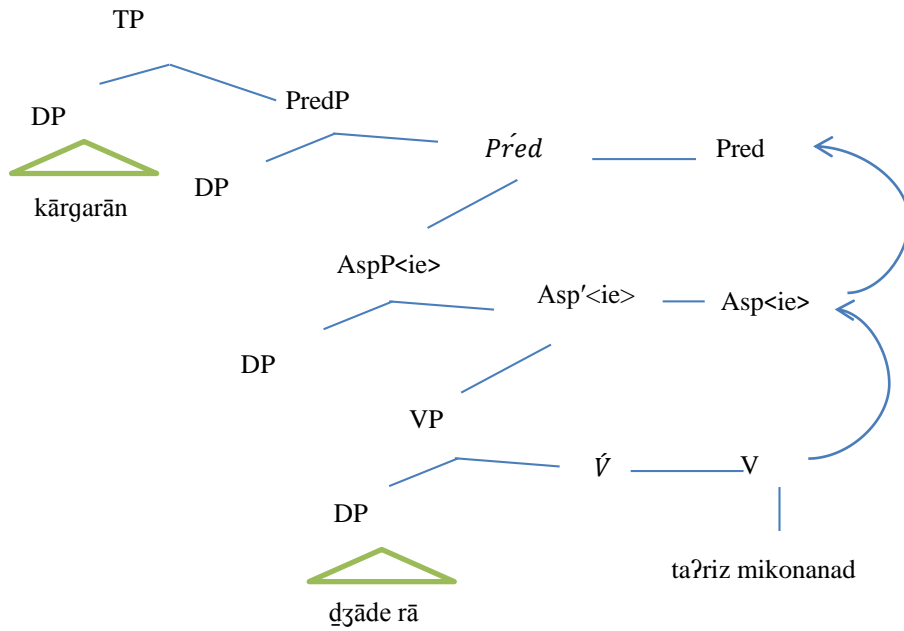
ساختار نمودی تحقیقی (۱۵) و کنشی (۱۶) رویدادهای ۱۵ الف و ب در زیر آورده شده است. تفاوت این دو ساختار در این است که در نمودار تحقیقی (الف)، نمود مشخصه <fe> دارد، حال آنکه در نمودار کنشی (ب)، رویداد کنشی این مشخصه را ندارد. به عبارت دیگر، معنای واژگانی افعال فوق تعیین نمی کند که آیا مشخصه نمودی <fe> بر روی نمود ظاهر می شود یا خیر.

۱. ← به مفهوم استلزامی است بر اینکه و ← به مفهوم استلزامی نیست بر اینکه می باشند.

نمودار ۱۵. نمودار درختی رویداد تحقیقی «کارگران جاده را تعریض می‌کنند»



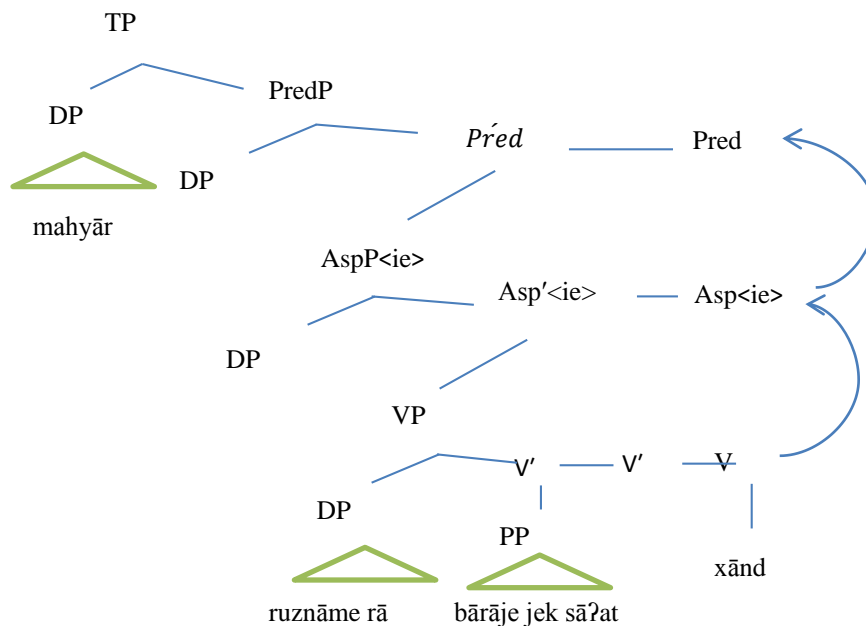
نمودار ۱۶. نمودار درختی رویداد کنشی «کارگران جاده را تعریض می‌کنند»



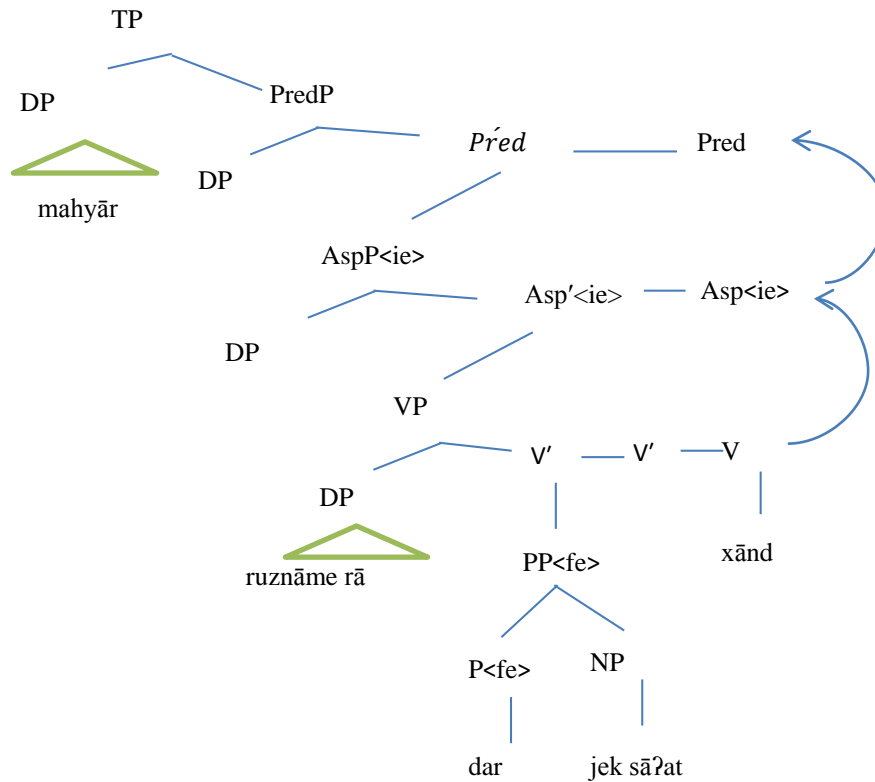
در نمونه‌های ۱۶ الف و ب نیز افعال هم با گروه‌های تداومی و هم با قیود محدود سازگاری دارند. این رویدادها خوانش مبهم غایی و غیرغایی دارند و به لحاظ نمود متغیر هستند. در خوانش غیرغایی، الگوی نمود کنشی و در خوانش غایی الگوی نمود غایتمند دارند. به عبارت دیگر، با قیود تداومی، رویدادهای مذکور کنشی و با قیود محدود خوانش غایتمند دارند. نمودار درختی این رویدادها با خوانش کنشی (۱۷) و غایتمند (۱۸) در زیر ارائه می‌شود.

۱۶ الف. مهیار روزنامه را به (مدت) یک ساعت / در (عرض) یک ساعت خواند.
 ب. مهیار ماشین را به (مدت) یک ساعت / در (عرض) یک ساعت شست.

نمودار ۱۷. نمودار درختی رویدادهای کنشی «مهیار روزنامه را برای یک ساعت خواند»



نمودار ۱۸. نمودار درختی رویداد غایتمند «مهیاری روزنامه را در یک ساعت خواند»



همان‌گونه که نمودارهای فوق نشان می‌دهند تغییرپذیری بین خوانش‌های کنشی و غایتمند به حضور و یا عدم حضور <fe> بر روی حرف اضافه وابسته است. در خوانش کنشی رویداد نمودی، این مشخصه وجود ندارد، اما در خوانش غایتمند وجود دارد. وجود دو ساختار رویدادی متفاوت برای یک معنای واژگانی یکسان تأییدی است بر اینکه معنای واژگانی قادر به تعیین ساختار رویدادی گزاره نیست.

۴. نتیجه

در این مقاله نمودهای واژگانی ایستا، کنشی، غایتمند و تحقیقی را بر پایه برنامه کمینه‌گرا و با توجه به نمونه‌های زبان فارسی بررسی و ساختار درختی نمودی هر کدام از این رویدادهای نمودی را ارائه نمودیم. این چهار رویداد نمودی به واسطه حضور یا عدم حضور فراقنی نمودی گروه نمودی که در گروه اسناد رقم می‌خورد، به رویدادهای ایستا و پویا (کنشی،

غایتمند و تحقیقی) طبقه‌بندی شدند. رویدادهای ایستا گروه نمودی ندارند حال آنکه رویدادهای پویا گروه نمودی دارند. افزون بر این، با توجه به مشخصه [±غایی] رویدادها را به دو گروه غایی و غیرغایی طبقه‌بندی کردیم. رویدادهایی که هم آغاز و هم پایان دارند، غایی و رویدادهایی که آغاز و پایان ندارند و یا تنها آغاز دارند، غیرغایی‌اند. رویدادهای کنشی و ایستا، غیرغایی و رویدادهای غایتمند و تحقیقی غایی هستند.

نمونه‌های زبان فارسی نشان داد که رویدادها می‌توانند خوانش‌های متغیر ایستا-پویا داشته باشند. موضوع درونی نقشی در رویدادهای نمودی ایستا ندارد و هم‌آیی این رویدادها با قیود تداومی بیانگر غیرغایی بودن این رویدادها و نبود حوزه خوانش نمودی در آنهاست، حال آنکه موضوع درونی برخلاف نوع بیرونی در خوانش نمودی رویدادهای پویای کنشی، غایتمند و تحقیقی نقش دارد. همچنین، معرفه یا نکره بودن گروه اسمی موضوعی درونی، نقشی در خوانش نمودی ندارد؛ حال آنکه [± کمی] بودن آن بر خوانش نمودی رویداد تأثیرگذار است. فرافکنی نمودی و [± غایی] رویداد در درون گروه اسناد رقم می‌خورد و موضوع بیرونی خارج از نمود و حوزه خوانش آن است.

رویدادهای ایستا مشخصه رویدادی نمودی ندارند. رویدادهای کنشی تنها مشخصه نمودی <آغاز> دارند؛ در صورتی که رویدادهای تحقیقی و غایتمند هم مشخصه <آغاز> و هم مشخصه <پایان> دارند. مشخصه‌های <آغاز> و <پایان> رویدادهای غایتمند بر روی دو گره متفاوت واقع می‌شوند. بنابراین، این دو مشخصه تسلط سازه‌ای بر یکدیگر دارند که این تسلط سازه‌ای بیانگر آن است که بین آغاز و پایان رویداد گذر و فاصله زمانی وجود دارد؛ در صورتی که مشخصه‌های <آغاز> و <پایان> رویدادهای تحقیقی بر روی یک گره واقع‌اند و در نتیجه، این دو مشخصه تسلط سازه‌ای بر یکدیگر ندارند. عدم ارتباط تسلط سازه‌ای بین مشخصه‌های <آغاز> و <پایان> رویدادهای تحقیقی بیانگر همزمانی و هم‌پوشانی این دو مشخصه است و در نتیجه، فاصله زمانی بین آغاز و پایان رویداد وجود ندارد. تغییرپذیری نمود میان رویدادهای ایستا و پویا و نیز خوانش نمودی مبهم بین رویدادهای کنشی- تحقیقی و کنشی- غایتمند تأییدی است بر اینکه نمود وابسته به معنای واژگانی افعال نیست. به عبارت دیگر، وجود دو ساختار رویدادی متفاوت برای یک معنای واژگانی یکسان تأییدی است بر اینکه معنای واژگانی قادر به تعیین ساختار نمودی رویداد و نوع نمود نیست.

تعارض منافع
تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mousa Ghonchepour  <https://orcid.org/0000-0001-9259-3410>

منابع

دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی (ویراست ششم)*. تهران: انتشارات سمت.

References

- Borer, B. (1998). Passive without theta grids. In S. Lapointe, P. Farrell & D. Brentari (Eds), *Morphology and Its Relations to Phonology*, (pp. 60-99). Stanford, California: CSLI Publications.
- Borer, B. (2005). *Structuring Sense II: The Normal Course of Events*. Oxford; New York: Oxford University Press.
- Bowers, J. (1993). The syntax of predication. *Linguistic Inquiry*, 24(4), 591-656.
- Bowers, J. (2001). Predication. In M. Baltin and C. Collins (Eds.), *The Handbook of Contemporary Syntactic Theory*, (pp. 299-333). Blackwell Publishers.
- Bowers, J. (2002). Transitivity. *Linguistic Inquiry*, 33(2), 183-224.
- Chomsky, N. (1957). *Syntactic Structures*. Berlin: Mouton.
- Chomsky, N. (1981). *Lectures on Government and Binding*. Dordrecht: Foris.
- Chomsky, N. (1995). *The Minimalist Program*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Chomsky, N. (2000). Minimalist inquiries: The framework. In R. Martin, D. Michaels & J. Uriagereka (Eds), *Step by Step: Essays on Minimalist Syntax in Honor of Howard Lasnik*, (pp. 89-155). Cambridge, MA: MIT Press.
- Chomsky, N. (2004). Beyond explanatory adequacy. In A. Belletti (Ed.), *Structures and Beyond: The Cartography of Syntactic Structures*, (vol. 3), (pp. 104-31). Oxford: University Press.
- Comrie, B. (1976). *Aspect: An Introduction to the Study of Verbal Aspect and Related Problems* (Vol. 2). Cambridge: university press.
- Dabir Moghaddam, M. (2012). *Theoretical Linguistics: Emergence and Development of Generative Grammar* (6th ed.). Tehran: Samt Publication. [In Persian]

- Declerck, R. (2007). Distinguishing between the aspectual categorie (a)telic, (im)perfective and (non)bounded. *Kansas Working Papers in Linguistics*, 29: 48-64. DOI: 10.17161/KWPL.1808.1787.
- Haegeman, L. & Lohndal, T. (2011) Review article: Introducing the Minimalist Programme to students of English. *English Language and Linguistic s*. 15, 149-172.
- Hale, K. & Keyser, S.J. (2002). *Prolegomenon to a Theory of Argument Structure*. Cambridge, Massachusetts/London, England: The MIT Press.
- Harley, H. (1995). *Subjects, Events and Licensing*. Doctoral dissertation, MIT.
- Harley, H. (2005). How do verbs get their names? Denominal verbs, manner incorporation, and the ontology of verb roots in English. In N. Erteschik-Shir & T. Rapoport (Eds.), *The Syntax of Aspect: Deriving Thematic and Aspectual Interpretation*, (pp. 42-64). Oxford: University Press.
- Hay, J., Kennedy, C. & Levin., B. (1999). Scalar structure underlies telicity in “degree achievements”. In T. Mathews & D. Strolovitch (Eds.), *Proceedings of SALT IX*, (pp. 127-144). Ithaca, New York: CLC Publications.
- Hornstein, N. (2009). *A Theory of Syntax: Minimal Operations and Universal Grammar*. Cambridge: University Press.
- Hornstein, N., Nunes, J. & Grohmann. K.K. (2005). *Understanding Minimalism*. Cambridge: University Press.
- Jackendoff, R. (1990). On Larson's treatment of the double object construction. *Linguistic Inquiry*, 21(3), 427-456.
- Klein, W. (1994) *Time in Language*. London: Routledge.
- Kratzer, A. (1996). Severing the external argument from the verb. In Johan Rooryck & Laurie Zaring (eds.), *Phrase Structure and the Lexicon*, (pp.109-37). Dordrecht: Kluwer.
- Larson, R. K. (1988). On the double object construction. *Linguistic Inquiry* 19, 335-91.
- Larson, R. K. (1990). Double objects revisited: Reply to Jackendoff. *Linguistic Inquiry*, 21(4), 589-632.
- Lasnik, & Lohndal, T. (2010). Government–Binding/Principles & Parameters theory. *Wiley Interdisciplinary Reviews: Cognitive Science* 1, 40-50.
- Lasnik, H. (1981). Restricting the theory of transformations. In N. Hornstein & D. Lightfoot (Eds.), *Explanation in Linguistics*, (pp. 152-73). London: Longmans.
- MacDonald, J. (2008). *The Syntactic Nature of Inner Aspect: A Minimalist Perspective*. Amsterdam / Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.

- Megerdooian, K. (2001). Event structure and complex predicates in Persian. *Canadian Journal of Linguistics/Revue Canadienne de Linguistique* 46(1/2): 97-125.
- Phan, T. (2013). The projection of inner aspect in Vietnamese. *Journal of Portuguese Linguistics*, 12-1 (2013), 41-62.
- Ramchand, G. (1993). Aspect phrase in modern Scottish Gaelic. In A. Schafer (Ed.), *Proceedings of NELS 23*, (pp. 415-429). UMass, Amherst: GLSA.
- Ramchand, G. (2003). *First Phase Syntax*. Ms. University of Oxford.
- Ritter, E. & Rosen, S. 2000. Event structure and ergativity. In C. Tenny & J. Pustejovsky (Eds), *Events as Grammatical Objects: The Converging Perspectives of Lexical Semantics and Syntax*, (pp. 187-238). Stanford, California: CSLI Publications.
- Schmitt, C. (2000). Some consequences of the complement analysis for relative clauses, demonstratives and the wrong adjectives. In A. Alexiadou, P. Law & C. Wilder (Eds), *The Syntax of Relative Clauses*, (pp. 309-348). Amsterdam: John Benjamins.
- Tenny, C. (1987). *Grammaticalizing Aspect and Affectedness*. Ph.D. Dissertation, MIT.
- Travis, L. D. (1991). *Inner Aspect and the Structure of VP*. Ms., McGill University.
- Travis, L. D. (2000). Event structure in syntax. In C. Tenny & J. Pustejovsky (Eds), *Events as Grammatical Objects: The Converging Perspectives of Lexical Semantics and Syntax*, (pp. 145-185). Stanford, California: CSLI Publications.
- Travis, L. D. (2010). *Inner Aspect*. Dordrecht: Springer.
- Vendler, Z. (1967). Verbs and times. In Z. Vendler (Ed.), *Linguistics in Philosophy* (pp. 97-121). Ithaca, New York: Cornell University Press.

استناد به این مقاله: غنچه‌پور، موسی. (۱۴۰۱). تحلیلی کمیته‌گرا از نمود واژگانی در زبان فارسی. *علم زبان*، ۹ (۱۶)،

Doi: 10.22054/LS.2022.63917.1490 .۳۳۶-۳۰۳



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.